

فریدریش نیچه

---

# تبارشناسی اخلاق

---

(یک جدل نامه)

ترجمه‌ی

داریوش آشوری



This is a Persian translation of  
*Zur Genealogie der Moral*  
by Friedrich Nietzsche  
Philipp Reclam Jun. Stuttgart, 1988.  
Translated by Daryoush Āshouri  
Āgah Publishing House, Tehran, 1998.  
Reprinted 2005  
E-mail: agah@neda.net

Nietzsche, Friedrich  
تبارشناسی اخلاق / فریدریش نیچه: ترجمه داریوش آشوری. — [تهران]: آگاه، ۱۳۷۷.  
چاپ پنجم: بهار ۱۳۸۴  
۲۱۴ ص.  
ISBN 964-329-082-4  
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا (فهرست‌نویسی پیش از انتشار).  
عنوان اصلی: Zur Genealogie der Moral  
۱. فلسفه آلمانی. الف. آشوری، داریوش. ۱۳۱۷. — مترجم. ب. عنوان.  
۹۳ چ ۹۳ ن / ۲۷۵۰ B  
۱۳۷۷  
کتابخانه ملی ایران  
۱۹۳  
م ۷۷-۱۱۲۸۴



فریدریش نیچه

تبارشناسی اخلاق

ترجمه‌ی داریوش آشوری

چاپ اول ترجمه‌ی فارسی: بهار ۱۳۷۷، آماده‌سازی، حروفنگاری و نظارت بر چاپ: دفتر نشر آگه

(حروفنگار: نفیسه جعفری، نمونه‌خوانی و صفحه‌آرایی: میتو حسینی)

لیتوگرافی کوهرنگ، چاپ نقش جهان، صحافی ممتاز

(چاپ دوم زمستان ۱۳۷۷، چاپ سوم پاییز ۱۳۸۰، ویراست دوم (چاپ چهارم)، زمستان ۱۳۸۲)

چاپ پنجم: بهار ۱۳۸۴

شمارگان: ۲۲۰۰ جلد

همه‌ی حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ است

مرکز بخش: مؤسسه‌ی انتشارات آگاه

خیابان انقلاب، بین فروردین و اردیبهشت، شماره‌ی ۱۴۶۸

تلفن: ۶۴۶۷۳۲۳، فکس: ۶۴۶۰۹۳۲

فهرست

۷	دیباچه‌ی مترجم
۱۳	پیش‌گفتار
	جستارِ یکم
۲۵	«خیر و شر»، «خوب و بد»
	جستارِ دوم
۶۹	«گناه»، «بدوجدانی» و از این‌گونه چیزها
	جستارِ سوم
۱۲۵	معنای آرمان زهد چیست؟
۲۱۱	برابرنامه

## دیباچه‌ی ترجمه

تبارشناسی اخلاق از جمله آخرین نوشته‌های نیچه است که دو سالی پیش از فروپاشیدن ذهن آتش‌فشان‌اش نوشته است. این کتاب، چنان‌که از آهنگ آن پیدا است، همچون بسیاری از آثار نیچه، بسیار شتابان نوشته شده است. وی آن را در بیست روز، در ماه ژوئن ۱۸۸۷، نوشته و کتاب در نوامبر ۱۸۸۷ منتشر شده است. این کتاب، چنان‌که عنوان فرعی آن حکایت می‌کند، «یک جدل‌نامه» است. نیچه این کتاب را پس از فراسوی نیک و بد نوشته و در نامه‌ای به دوست‌اش یاکوب بورکهارت هدف آن را روشن کردن چند «اصل بنیادی» آن کتاب بد فهمیده شده، یعنی فراسوی نیک و بد، می‌داند. وی می‌خواهد در این کتاب چند نکته‌ی اساسی را که در آن کتاب به اجمال آمده، روشن و کامل کند و نقش «آزاده جانی» را در آن بازگوید، و آنچه را که در آخرین بخش «فراسوی نیک و بد به نرمی گفته است با طنینی تند و انگیزاننده شرح کند و سنجشگری اخلاق را به اوج خود برساند»<sup>۱</sup>.

واژه‌ی «تبارشناسی» در عنوان این کتاب نشان می‌دهد که نیچه با اخلاق برخورداردی تاریخی دارد، یعنی برای آن گوهریت و خاستگاه

1. "Nachwort" von Alfred Bauemler, *Jenseits von Gut und Böse und Zur Genealogie der Moral*, (Stuttgart 1964) S. 419.

مابعدالطبیعی نمی‌شناسد. و در این کتاب می‌خواهد نشان دهد که اخلاق مسیحی اروپایی نه تنها سرآغاز اخلاق نیست که پایان پدیدآمدن نظام‌های اخلاقی و عالی‌ترین نظام آن نیز نیست، بلکه یکی از نظام‌های اخلاقی است در میان نظام‌های اخلاقی بسیار. نظام اخلاقی مسیحی نیز که در شرایط ویژه‌ی تاریخی پدیدار شده و «برفراز و در کنار آن» نظام‌های اخلاقی دیگر بوده است و تواند بود. «تبارشناسی در اساس جز تفسیر مفهوم 'اخلاق سروران' (Herrenmoral) و 'اخلاق بندگان' (Sklavemoral) نیست که در فراسو به کوتاهی به آن‌ها می‌پردازد. همچنین بررسی مفهوم کینه‌توزی (Ressentiman) را در آن از سر می‌گیرد که از جمله تحلیل‌گری‌های درخشان این اثر است.»<sup>۱</sup> نیچه با تحلیل این مفهوم نکته‌ای بسیار ژرف و باریک را از نظر روان‌شناسی ارزش‌های اخلاقی روشن می‌کند و آن این‌که در اخلاق بندگان چه گونه کینه و نفرت از سروران چهره دیگر می‌کند و راه به «دین محبت» می‌گشاید، یعنی مسیحیت وی با این تحلیل درهم تنیدگی عاطفه‌های «ضد» یکدیگر را در روان انسان بازمی‌نماید و بویایی درونی سازد. و کارهای روانی انسان را نشان می‌دهد. این تحلیل نشان می‌دهد که چه گونه ناپسندترین و زشت‌ترین عاطفه‌ها از نظر ارزشگذاری اخلاقی می‌توانند خود را در زیر نقاب‌های زیبا پدیدار کنند و نیز این‌که عالی‌ترین نمودهای اخلاق و فرهنگ در روزگاران سپسین چه گونه در زشت‌ترین و ناخوشایندترین عاطفه‌ها از نظر اخلاقی زمانه‌ی پیشین، ریشه دارند. به عبارت دیگر، «شر» چه گونه زاینده‌ی «خیر» است. نیچه کینه‌توزی نسبت به سروران رومی را — که بر فلسطین فرمانروا بودند — در درون روان قوم دین‌مدار یهودی انگیزه‌ی پدیدآمدن «محبت» مسیحی می‌داند.

نیچه با این تحلیل پیشتازِ روانکاویِ مدرن است که در پی یافتنِ انگیزه‌هایِ نهانی و واپس‌رانده‌ی رفتارها در انسان است. وی نشان می‌دهد که بندگان با واژگون کردنِ نظامِ اخلاقیِ سروران و بدنام کردنِ ارزش‌هاشان چه‌گونه به سروری دست می‌یابند. به عبارتِ دیگر، با نمونه‌ی مسیحیتِ نشان می‌دهد که خواستِ قدرت (Der Wille zur Macht) در قلمروِ فرهنگ، یعنی زیست‌جهانِ انسانی، از چه راه‌هایِ پیچیده و پنهانی دستِ اندر کار است و عقده‌ها و ناکامی‌ها و سرکوفتگی‌ها در مردمانِ ناتوان، با انگیزه‌ی خواستِ قدرت، چه‌گونه اخلاق و ارزش می‌آفریند. وی می‌خواهد از این راه نشان دهد که این انگیزه‌ها چه نقشِ تاریخیِ عظیمی می‌توانند بازی کنند و «کشیش» و نظامِ اخلاقیِ مسیحی چه‌گونه پدید آمده و به سروری دست یافته اند.

نیچه، چنان‌که در فراسویِ نیک و بد می‌گوید، بر آن است که با قومِ دین‌مدارِ یهودی ست که «قیامِ اخلاقیِ بندگان» بر ضدِ سرورانِ والاتبارِ خود، یعنی رومیان، آغاز می‌شود. مسیحیتِ نمودگارِ این قیام است و با پیدایشِ مسیحیتِ «بازسنجیِ همه‌ی ارزش‌ها» رخ می‌نماید و از این راه «اخلاقیِ بندگان» بر «اخلاقِ سروران» برتری می‌یابد. بر همین بنیاد است که نیچه می‌خواهد بارِ دیگر با بازسنجیِ همه‌ی ارزش‌ها، اخلاقیِ والاتبارانه به بشریتِ عرضه کند، زیرا بر آن است که نظامِ ارزشیِ مدرنِ دموکراسی و سوسیالیسم نیز در بنیادِ چیزی جز همان ارزش‌هایِ مسیحی نیست. وی همچنین پدید آمدنِ هیچ‌انگاری (نیپیلیسم) را نیز حاصلِ غایت‌باوریِ مسیحی می‌داند که با پست و خوار کردنِ زندگی و این جهان از راهِ نمایی که از هستیِ فراچشم می‌آورد، و نهادنِ غایتی «آن جهانی» برایِ زندگی و هستی، کار را سرانجام به هیچ و پوچ انگاشتنِ زندگانیِ زمینی و به تباهی کشاندنِ آن می‌رساند. طرحِ وی برایِ کتابِ آخرین‌اش — که نتوانست آن را به پایان برساند — یعنی خواستِ

قدرت، بازسنجی نهایی همه‌ی ارزش‌هایی بود که جهان مسیحی قرون وسطایی و نیز جهان مدرن بر آن تکیه دارند.

این کتاب، بنا به روش نگرش خود، اگرچه بسیار بر تاریخ تکیه می‌کند، ولی یک اثر بسیار نیرومند فلسفی است که در آن به نتیجه‌گیری‌هایی که نیچه از تحلیل نمونه‌های تاریخی می‌کند می‌باید توجه اساسی کرد، زیرا برای فهم کلی فلسفه‌ی وی بسیار مهم است. روش تبارشناسی (Genealogie) نیچه دیدگاه‌های انقلابی تازه‌ای را درباره‌ی ردّ «علت آغازین» برای پدیده‌ها در بردارد. این دیدگاه دگردیسی چیزها و معناها را در زیر فشار نیروهایی که در هر شرایط زمانی و تاریخی خاص اندر کار آند، پیش می‌کشد، و به این ترتیب، غایت‌مندی چیزها نیز زیر سنجشگری درهم‌شکننده قرار می‌گیرد (نگاه کنید، از جمله، به پاره‌های ۱۲ و ۱۳ از جستار دوم این کتاب). این دیدگاه تاریخی که به جای پیوستگی سلسله‌وار، گسست‌ها و دگردیسی‌ها را روند پیدایش چیزها می‌بیند، در دیدگاه تبارشناسانه‌ی فیلسوف فرانسوی، میشل فوکو اثر ژرف نهاده است. (مقاله‌ی او با عنوان Nietzsche, a généalogie, l'histoire تحلیلی درخشان از تبارشناسی نیچه است.)

این کتاب اگرچه به همان سبک گزین‌گویانه‌ی (Aphorismus) نیچه و با همان نثر تیزتک و پرجوش و خروش و کوبنده نوشته شده است، سیستمانه‌ترین اثر نیچه از این‌گونه است و از این نظر به فهم بسیاری از اشاره‌های او در چنین گفت زرتشت و همچنین در نوشته‌های سپسین‌اش، به‌ویژه فراسوی نیک و بد، بسیار یاری می‌کند، زیرا آن اشاره‌ها در این جا گسترش و شرح کافی می‌یابند. به همین دلیل، به‌ویژه به خاطر تحلیل درخشان مفهوم «کینه‌توزی» در این اثر، نیچه‌شناسان به این کتاب در میان آثار نیچه اهمیت شایانی می‌دهند.

این کتاب را من بر اساس نشر آلمانی آن در مجموعه‌ی *Reclam* (Stuttgart, 1988) با برابر نهادن آن با ترجمه‌ی انگلیسی والتر کاوفمن<sup>۱</sup> و نیز گاهی به ترجمه‌ی فرانسه‌ی آن از ژاک دشان<sup>۲</sup> ترجمه کرده‌ام. در زیرنویس‌ها برابرهای آلمانی واژه‌ها را همراه با ترجمه‌ی انگلیسی آن از کاوفمن آورده‌ام.

نیچه، از آن‌جا که فیلولوگ بود، در این متن نیز، مانند کارهای دیگرش، عبارت‌ها و واژه‌های فراوان به لاتینی و یونانی و فرانسه — در این متن چند واژه به انگلیسی — می‌آورد که در ترجمه‌های انگلیسی و فرانسه به همان صورت می‌آید، ولی در ترجمه‌ی فارسی چنین کاری نابه‌جاست. ازین‌رو، آن عبارت‌ها و واژه‌ها را در متن، براساس زیرنویس‌های کاوفمن، به فارسی ترجمه کرده‌ام و اصل را در زیرنویس آورده‌ام. برای حاشیه‌های ترجمه نیز از پانویس‌های کاوفمن به‌ویژه و گهگاه از ترجمه‌ی فرانسه‌ی آن بهره گرفته‌ام و آن‌جا که برای خواننده‌ی فارسی‌زبان ضروری دانسته‌ام از مرجع‌ها و منبع‌های دیگر نقل کرده‌ام. آنچه در این متن فارسی در درون [ ] (کروشه) آمده افزوده‌ی مترجم فارسی است برای روشن‌تر کردن متن.

از نظر زبان‌نگاره (رسم‌الخط) نیز در این کتاب همان روش خود در کتاب‌های دیگر را در کار آورده‌ام. (نگاه کنید به دیباجه‌ی ویراست چهارم چنین گفت زرتشت).

داریوش آشوری

تهران، اردیبهشت ۱۳۷۷

1. Walter Kaufmann, *On the Genealogy of Morals*, Vintage Books, New York, 1989.
2. Jacque Deschamps, *La généalogie de la morale*, édition Nathan, 1981.

یادداشت برای چاپ چهارم

در این نشر دیباچه‌ی کتاب را بازبینی کرده‌ام، زبان‌نگاره‌ی (رسم‌المخط) کتاب را نیز بازبینی و یکدست کرده‌ام، چند غلط چاپی و چند مورد جزئی را در متن اصلاح کرده‌ام، و یک برابرنامه نیز در پایان افزوده‌ام.

د. آ.

تیر ۱۳۸۲

www.ketab.ir